

بنده شاه ولایت عباس ثسانی

بموجبی که فصول ثلثه مزبوره بجواب
صواب مقرون گشته عمل نمایند و از مضمون
و مدلول آن عدول و انحراف نورزند و در
عهدہ شناهند .

تحریراً فی شهر صفر ختم بالخیر والظفر

سنه ۱۰۶۰

عرضه داش — ت

بنده دعاگوی فیلقوس خایفه اوچ کلیسیا

بذروه عرض میرساند که مردم ارامنه بومی اینحدود در دارالسلطنه اصفهان
ساکن اند و جمعی که الحال در این ولایت سکنی دارند بنا بر الطاف و شفقت و
مرحمت بیغایات پادشاهانه از ولایات بتدریج آمده اند و سیصد نفر دعاگوی
نواب اشرف ارفع همایون که جان صد هزار چون ما دعاگویان فدای سم سمند
مبارکش باد در اوچ کلیسیا شب و روز بدعا گوئی مشغولند و زندگانی ایشان
بهمه ابواب از صدقه فرق مبارک ارفع همایون اعلی است و از آن تاریخ که این
ولایت در تحت تصرف رومیه شومیه بوده تایومنا هذا همه وقت آنچه لازمه جان-
فشانی و دولتخواهی آن دودمان ولایت نشان بوده از جماعت ارامنه و این
فقیران بعمل آمده و هر گزارماری که باعث خلاف یکرنگی و یکجهتی و اطاعت
و انقیاد و فرمانبرداری بوده از این فقیران و جماعت ارامنه بوجود نیامده و نخواهد
آمد و ظهور این معنی بر بار یافتگان مجلس خلد آئین نواب مستطاب سلطان-
(۱۰)

العلمائی ایران مداری اظهر من الشمس است چنانچه در فتور خندکار نابکار جمعی
 از مردم اعیان که پیوسته بنوازشات و انعامات بیکران در میان اهتال و اقران
 سرافراز بوده طریق عصیان و خلاف پیش گرفته بجانب روم رفته بمرتضی پاشا
 گفتند که جماعت نخچوان وارد و باد بنا بر آنکه شیعه و صوفی و بیگرنک پادشاهان
 سلسله صفویه اند بسلام تو نیامده اند مرتضی پاشا بنا بر سخنان ایشان چند هزار کس
 مقرر نمود که نخچوان وارد و باد را تاخت و تاراج نمایند بنده کمترین بنا بر
 مصلحت وقت مبالغه دوست تومان بمرتضی پاشا داده و باین وسیله دفع شر او
 نموده و نگذاشت که یکخانه از ارامنه متفرق شده بمحل دیگر روند دیگر
 معروض میدارد که در این ولا بتوفیق و بیمن توجه نواب عالمیان بآب نهری
 که شش هفت آسیاب بآن دایر گردد بجهت نیک آبی ناحیه کرپی از نزدیکی
 قارص که الکاء روم است مبلغها خرج نموده و ریاضتها کشیده تا آنکه بمخال
 کرپی آورده و بر عالمیان ظاهر است که حاصل محال مذکور قلیل بود و الحال
 ببدد آن آب حاصل اضافه شده است بنا بر حق السعی فقیر و کلاه عظیم الشان
 کیخسرو خان بیگلربیگی چخور سعد منال حاصل قریه اوج کلیسیا (ی)
 مذکوره رامع اخراجات چند قطعه باغ و زمین و آسیاب که وقف اوج کلیسیاست
 و چوپان بیگی تصدق قرن مبارک همایون اعلی کرده بجهت کلیسیا و وظیفه
 خواران اوج کلیسیا مقرر نموده که وظیفه خواران بر فاه حال بدعا کوئی دوام
 دولت بیزوال اشتغال داشته باشند چون در همه باب سبب خیر و باعث ازدیاد
 دعای ذات اشرف آن قبا و کعبه این فقیرانند استدعا آنکه در این باب نیز
 باعث شده حکم عدالت شیم نواب اشرف صادر گردد که حاصل آن محال مع
 اخراجات محال وقفی اوج کلیسیا بر کلیسیا و وظیفه خواران دایمی باشد که
 باعث امیدواری و رفاه حال این فقیران خواهد بود .

هو

حقیقت اصل جمع و بر آوردی محل
مزبور را قلمی نمایند

هو

حقیقت قلمی نمایند

هو

مینمایند

محمد صالح بعرض میرساند که مال
قریه وانک اوج کلیسیا ناحیه کربی
چخور سعد بمبلغ پنجتومان تبریزی
جمع و بتیول بیکر بیگی چخور
سعد مقرر است و از قرار بر آورد
مبلغ ۲۱ تومان میشود .

تا واضح باشد برین موجبست
اصل

فرع

۵ تومان ۱-۴ من یک و نیم

۲۰ تومان ۳ تومان

«مهر»

دیگر بعرض میرساند که اوقاف اوج کلیسیا و غیره کلیسیاها از محل زراعت
و غیره از زمان حضرت عیسی و حواریون تا حال بوقفیت برقرار بوده الحال
جماعت بخلاف حق و حساب و شلتاق دعوی بر آن مینمایند استدعا آنکه در این
نیز حکم اشرف صادر گردد که آن محال را بطریق سنوات سابقه وقف دانسته و
بمحض دعوی مزاحمت نرسانند که باعث امنیت خاطر این فقیران است. امر کم مطاع

هو

حکم حسابی و شرعی بشرح احکام سابقه بمسوده

دیوان الصدارة العالیه العالیه قلمی نمایند .

بنده شاه ولایت عباس ثانی

مهر مسوده دیوان اعلی

بنده شاه ولایت عباس ثانی

مهر مسوده

دیوان اعلی

از ابتداء سه ماهه اوردنیل منال محل
مزبور بقید آنکه چون حقیقت اصل
جمع و بر آوردی محل ایالت پناه
مزبور (ر) ضانامچه در این باب
نوشته بقید آنکه مادام که ایالت
پناه مزبور بیکر بیگی بوده باشد
بر وجه وظیفه خلیفه مزبور مقرر
شده حکم اشرف مسوده نمایند

دیگر بعرض میرساند که این بنده را هفتاد سال از عمر گذشته و همیشه اراده قدس خلیل و بیت المقدس داشته ام استدعا آنکه بنا بر الطاف بیدریغ خود رخصت رفتن قدس خلیل و بیت المقدس شفقت فرمایند که باعث امیدواری این فقیر خواهد بود . ظل عالی منخلد و مستدام باد امر کم مطاع

هو

مرخص فرمودیم که شخصی را بنیابت
خود تعیین نموده روانه شود

بنده شاه ولایت عباس ثانی

مهر مسوده

دیوان اعلی